



A Study of the Representation of Justice and the Critique of Governmental Power in Letter 45 of Nahj al-Balagha Based on Norman Fairclough's Critical Discourse Analysis [In Persian]

Ahmad Arefi¹ , Reza Karimpour Kasin^{* 2} 

1 PhD in the Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2 MA student in Arabic Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran



*Corresponding author: rezakarimpor1381@gmail.com



Received: 25 Mar, 2025 Revised: 23 May, 2025 Accepted: 31 May, 2024

ABSTRACT

This study applies Norman Fairclough's Critical Discourse Analysis (CDA) framework to explore the representation of justice and the critique of governmental power in Letter 45 of Nahj al-Balagha, authored by Imam Ali (AS) and addressed to Uthman ibn Hunayf, the governor of Basra. Nahj al-Balagha, a seminal Islamic text compiling Imam Ali's sermons, letters, and sayings, is celebrated for its profound ethical, political, and social insights. Letter 45 stands out for its critique of a governmental official's conduct and its advocacy for simplicity and justice, making it an exemplary case for analyzing Imam Ali's critical discourse. The research addresses two key questions: 1) How are justice and the critique of power articulated through linguistic styles in Letter 45, as per Fairclough's descriptive level of CDA? 2) How does the interplay of language, society, and power manifest in the letter through Fairclough's three-tiered analytical framework? The methodology employs Fairclough's three-dimensional model, encompassing description (textual analysis), interpretation (discourse production and reception), and explanation (socio-historical context). At the descriptive level, the analysis focuses on linguistic features, including value-laden vocabulary such as taqwa (piety), justice, and asceticism, alongside imperative and interrogative syntactic structures, and rhetorical devices like metaphors, parallelism (saj), and antithesis. These elements frame justice as a divine and actionable principle while condemning official misconduct. For instance, metaphors likening the world to a "bitter acorn" underscore the transience of material wealth, reinforcing the call for simplicity. At the interpretive level, the study situates the letter within the socio-historical context of Imam Ali's caliphate (35–40 AH), a period marked by class disparities, aristocratic influence, and

administrative corruption. The letter's multifaceted tone—authoritative, advisory, and emotive—directly addresses Uthman ibn Hunayf while implicitly engaging the broader Islamic community, urging adherence to justice and accountability. At the explanatory level, Letter 45 is examined as a social act that promotes a justice-oriented discourse, challenging the hegemonic structures of aristocracy and corruption prevalent in Basra. By redefining officials as public servants, the letter fosters social cohesion and bolsters the legitimacy of Imam Ali's governance. The findings reveal that Letter 45 employs sophisticated linguistic and discursive strategies to advocate justice and critique power. Religious lexicon, rhetorical questions, and contrasting imagery (e.g., "needy versus affluent") expose social inequalities and critique corrupt practices, while the authoritative tone underscores accountability. The letter's ideological impact, achieved by intertwining religious and governance principles, counters materialistic hegemony and promotes a cohesive, justice-driven society. Its relevance extends to contemporary challenges, such as economic inequality, governmental transparency, and accountability, offering a timeless model for political reform. By addressing the scarcity of independent analyses of Letter 45, this study deepens the understanding of Nahj al-Balagha's enduring values and their applicability to modern political discourse. Future research could explore comparative analyses of other letters in Nahj al-Balagha or examine contemporary discourses inspired by Ali's justice-oriented framework.

Keywords: Nahj al-Balagha, Letter 45, Critical Discourse Analysis, Social Justice, Norman Fairclough.

بازنمایی عدالت و نقد قدرت حکومتی در نامه ۴۵ نهج البلاغه براساس تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

احمد عارفی^۱، رضا کریم پورکاسین^{۲*}

۱. دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

*نویسنده مسئول مقاله Email: rezakarimpor1381@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۸۰

اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل گفتمان انتقادی نامه ۴۵ نهج البلاغه، خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره، به بررسی بازنمایی مفاهیم عدالت و نقد قدرت حکومتی بر اساس چارچوب سه‌بعدی نورمن فرکلاف (توصیف، تفسیر، تبیین) می‌پردازد. نهج البلاغه، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان حضرت علی (ع)، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متون دینی، سیاسی و اجتماعی در فرهنگ اسلامی، منبعی غنی از تعالیم اخلاقی، اصول حکومتی و عدالت اجتماعی است. نامه ۴۵، با تمرکز بر نقد رفتار کارگزار حکومتی و تأکید بر ساده‌زیستی و عدالت، نمونه‌ای برجسته از گفتمان انتقادی علوی است که به دلیل عمق محتوایی و بلاغت زبانی، برای تحلیل گفتمانی مناسب است. این پژوهش به دنبال پاسخ به دو پرسش اصلی است: (۱) مفاهیم عدالت و نقد قدرت چگونه و با چه سبک‌های زبانی در نامه ۴۵ بازنمایی شده‌اند؟ (۲) رابطه زبان، جامعه و قدرت طبق سطوح سه‌گانه فرکلاف در این نامه چگونه است؟ روش تحقیق مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است که در سه سطح متنی (توصیف)، فرآیندهای تولید و دریافت گفتمان (تفسیر) و کنش اجتماعی (تبیین) انجام شده است. در سطح توصیف، ویژگی‌های زبانی مانند واژگان ارزش‌محور (تقوا، عدالت، زهد)، ساختارهای دستوری آمرانه و پرسشی، و ابزارهای بلاغی نظیر استعاره، سجع و تضاد بررسی شدند. این عناصر، عدالت را به‌عنوان ارزشی الهی و عملی بازنمایی کرده و رفتار ناشایست کارگزاران را نقد می‌کنند. در سطح تفسیر، بستر تاریخی-اجتماعی دوره خلافت حضرت علی (ع) (۳۵-۴۰ هجری)، با چالش‌هایی مانند نابرابری طبقاتی و فساد حکومتی، تحلیل شد. این نامه، با لحنی چندلایه (آمرانه، ناصحانه، عاطفی)، عثمان بن حنیف و جامعه اسلامی را به بازنگری رفتار و پایبندی به ارزش‌های عدالت‌محور دعوت می‌کند. در سطح تبیین، نامه ۴۵ به‌عنوان کنشی اجتماعی، گفتمان عدالت‌محور علوی را در برابر هژمونی اشرافی‌گری و فساد ترویج داده و با بازسازی هویت کارگزاران به‌عنوان خدمتگزاران مردم، به تحول ساختارهای اجتماعی کمک می‌کند. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهند که نامه ۴۵ از طریق سازوکارهای زبانی و گفتمانی، عدالت را به‌عنوان ارزشی عملی و الهی تثبیت کرده و با افشای

نابرابری‌ها و فساد، گفتمان‌های هژمونیک را به چالش می‌کشد. استفاده از واژگان دینی، استعاره‌هایی مانند تشبیه دنیا به «دانه تلخ درخت بلوط» و ساختارهای امری و پرسشی، پیام عدالت‌محور را با اقتدار و تأثیر عاطفی منتقل می‌کنند. این نامه، با پیوند ارزش‌های دینی و مسئولیت‌های حکومتی، نه تنها رفتار کارگزاران را اصلاح می‌کند، بلکه هویت جامعه اسلامی را به‌عنوان جامعه‌ای عدالت‌محور بازسازی می‌کند. یافته‌ها همچنین کاربرد گفتمان علوی در نقد نظام‌های سیاسی معاصر را تأیید می‌کنند، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند شفافیت، پاسخگویی حکومتی و مبارزه با نابرابری اقتصادی. این پژوهش، با پر کردن خلأ تحلیل مستقل نامه ۴۵، گامی در راستای شناخت عمیق‌تر ارزش‌های نهج‌البلاغه برمی‌دارد و پیشنهاد می‌کند که پژوهش‌های آتی به مقایسه تطبیقی نامه‌های نهج‌البلاغه یا تحلیل گفتمان‌های معاصر با الهام از گفتمان علوی بپردازند.

واژگان کلیدی: نهج‌البلاغه، نامه ۴۵، تحلیل گفتمان انتقادی، عدالت اجتماعی، نورمن فرکلاف.

۱. مقدمه

نهج‌البلاغه، مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه حضرت علی (ع)، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متون دینی، سیاسی و اجتماعی در فرهنگ اسلامی شناخته می‌شود. این اثر، که توسط سید رضی در قرن چهارم هجری گردآوری شده، نه تنها به دلیل جایگاه والای حضرت علی (ع) به‌عنوان امام اول شیعیان، بلکه به سبب عمق محتوایی و بلاغت بی‌نظیرش، مورد توجه علما، اندیشمندان و عموم مردم قرار گرفته است. نهج‌البلاغه منبعی غنی از تعالیم اخلاقی، اصول حکومتی، عدالت اجتماعی و معارف دینی است که در عین حال، با نگاهی عمیق به مسائل انسانی، راهنمایی برای زندگی فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد. این متن، به دلیل جامعیت و تأثیرگذاری‌اش، فراتر از یک اثر مذهبی، به‌عنوان یک سند تاریخی و ادبی نیز در فرهنگ اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد و در طول قرن‌ها الهام‌بخش تفکر و عمل در جوامع اسلامی بوده است.

در میان نامه‌های نهج‌البلاغه، نامه ۴۵ خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نامه که به نقد رفتار کارگزاران حکومتی و تأکید بر ساده‌زیستی و عدالت اختصاص دارد، نمونه‌ای برجسته از گفتمان انتقادی حضرت علی (ع) در مواجهه با سوءاستفاده از قدرت است. مضامین اصلی این نامه، یعنی عدالت، نقد قدرت و ترویج ساده‌زیستی، آن را به متنی غنی برای تحلیل گفتمانی تبدیل کرده است.

تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) به‌عنوان رویکردی برای بررسی عمیق متون، امکان کاوش در لایه‌های زبانی، اجتماعی و ایدئولوژیک را فراهم می‌کند. این پژوهش با بهره‌گیری از چارچوب سه‌بعدی نورمن فرکلاف (توصیف، تفسیر و تبیین) به تحلیل نامه ۴۵ نهج‌البلاغه می‌پردازد تا سازوکارهای زبانی و گفتمانی بازنمایی عدالت و نقد قدرت حکومتی را شناسایی کند. ضرورت این پژوهش در ارتباط آن با مسائل معاصر مانند عدالت اجتماعی، پاسخگویی حکومتی و مبارزه با سوءاستفاده از قدرت نهفته است.

هدف این پژوهش، کاوش عمیق روابط زبانی، اجتماعی و ایدئولوژیک نامه ۴۵ نهج البلاغه خطاب به عثمان بن حنیف، با تأکید بر بازنمایی عدالت و نقد قدرت حکومتی از منظر چارچوب نظری فرکلاف در بستر تاریخی و فرهنگی آن است. این پژوهش با بررسی ویژگی‌های زبانی متن، بستر تاریخی و اجتماعی تولید آن و تأثیرات ایدئولوژیک آن بر جامعه، به دنبال درک عمیق‌تر ارزش‌های نهج البلاغه و کاربرد آن در نقد نظام‌های سیاسی معاصر است. پرسش‌های اصلی پژوهش عبارت‌اند از:

- ۱- مفاهیم عدالت و نقد قدرت چگونه و با توجه به چه سبک‌های زبانی در نامه ۴۵ نهج البلاغه، طبق سطح توصیف تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، بازنمایی شده‌اند؟
- ۲- رابطه زبان، جامعه و قدرت طبق سطوح سه‌گانه فرکلاف، در نامه ۴۵ نهج البلاغه چگونه است؟

۱-۱ پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی طبق تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف در متون ادبی به خصوص در نهج البلاغه انجام شده است. از جمله:

محسنی و پروین (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی توصیف کوفیان)» تحلیل عمیقی از تعامل گفتمانی امام با بحران‌های اجتماعی-سیاسی کوفه ارائه دادند. آنان نشان دادند که گفتمان علوی به واسطه ویژگی‌های بلاغی و ایدئولوژیک، بر زمینه‌های خفقان‌آمیز اجتماعی تأثیرگذار بوده است

ذکایی، صیادی‌نژاد و اقبالی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی نامه دهم نهج البلاغه» به بررسی ابعاد زبانی و ایدئولوژیک این نامه پرداخته‌اند. آن‌ها در چارچوب سه‌سطحی فرکلاف (توصیف، تفسیر، تبیین) نشان داده‌اند که امام علی (ع) با بهره‌گیری از ضمائر شخصی، استعاره‌های تقابلی و موسیقی لفظی، گفتمان خود را بر اساس مشروعیت دینی و نفی سلطه قبیله‌ای بنی‌امیه شکل داده است.

علی قهرمانی و فاضل بیدار (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه‌های حضرت علی (ع) در جریان فتنه خوارج» با رویکرد فرکلاف، به بررسی گفتمان تقابلی امام در برابر خوارج پرداخته‌اند. این پژوهش نشان داد که امام با تکیه بر گفتمان عقلانی و اخلاق‌محور، درصدد افشای ساختارهای قدرت پوشیده در گفتمان ظاهرگرای خوارج بوده است.

موسوی بفرولی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مبانی سیاست ورزی امام علی (ع) در نامه ۶۴ نهج البلاغه با الگوگیری از روش فرکلاف (تحلیل گفتمان انتقادی)» به تحلیل این نامه با رویکرد سه‌لایه‌ای فرکلاف پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که امام علی (ع) در این نامه با

تأکید بر مشروعیت الهی و عدالت‌محور، به نفی گفتمان سلطه‌طلبانه معاویه پرداخته و اصول حکمرانی اسلامی را بازنمایی کرده است.

شیرزادی و همکاران (۱۴۰۴) نیز در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی قیامت در قرآن و نهج‌البلاغه و نسبت آن با مشروعیت سیاسی» به بررسی تطبیقی مفاهیم دینی و سیاسی با رویکرد فرکلاف پرداختند. آن‌ها نتیجه گرفتند که در نهج‌البلاغه، برخلاف قرآن، مفهوم قیامت به صورت مستقیم در خدمت تثبیت مشروعیت عدالت‌محور حکومت قرار می‌گیرد.

عزیز خانی و شاملی (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی در نهج‌البلاغه براساس نظریه فرکلاف (مطالعه موردی توصیف ناکثین)» با تمرکز بر تحلیل واژگان و ساختارهای زبانی خطابه‌ها و نامه‌ها، نشان داد امام علی (ع) در سطح توصیف، تفسیر و تبیین، با نقد ایدئولوژی گروه ناکثین، بافت فرهنگی-سیاسی زمان را تغییر داده و از زبان به‌عنوان ابزار مقابله با گفتمان‌های ظالمانه استفاده نموده است

بررسی این مطالعات نشان می‌دهد که گرچه ابعاد متعددی از گفتمان امام علی (ع) با رویکرد فرکلاف تحلیل شده‌اند، اما نامه ۴۵ نهج‌البلاغه با محتوای منحصر به فرد در نقد مستقیم کارگزار حکومتی، عدالت‌طلبی و مسئولیت‌پذیری، کمتر به صورت مستقل و جامع مورد پژوهش قرار گرفته است. پژوهش حاضر با تمرکز بر این نامه، می‌کوشد خلأ موجود را با تبیین لایه‌های زبانی، ایدئولوژیک و گفتمانی آن پر کرده و سهمی در شناخت بهتر گفتمان عدالت‌محور علوی ایفا نماید.

۲ تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان که پژوهش میان رشته‌ای بین ادبیات و رشته‌های زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی و غیره است، طبق تعریف‌های مختلف دانشمندان نحوه طرز بیان و گفتار را تبیین و مشخص می‌نماید تا از خلال آن، ایدئولوژی صاحب کلام مشخص گردد. بستر تحلیل گفتمان همانا زبان است که از طریق آن، هدف صاحب کلام به دست می‌آید، به همین سبب زبان‌شناسان زبان را همه کاره می‌دانند که می‌تواند زندگی را به کام صاحب کلام کند یا آن را به نابودی بکشاند.

میشل فوکو بنیان‌گذار تحلیل گفتمان، زبان را دارای قدرتی می‌داند که بر جامعه مسلط است. این زبان با هدف تاثیر گذاری یا اقناع مخاطب درباره محتوای گفتمان به کار می‌رود (شلیغر، ۱۹۸۷: ۱۳۴). او معتقد است که گفتمان حاوی زمینه اجتماعی و ریشه آن در قدرت است و زبان و جامعه بشری پیوسته در حال تغییر و تحول هستند و بالتبع گفتمان نیز دارای تغییر و تحول است و گفتمان یک جامعه تا جامعه دیگر متفاوت است، چون هرکدام از جوامع، دارای ایدئولوژی خاص خود هستند. به همین دلیل برای درک فرایندهای جامعه باید زبان را شناخت، چون زبان ابزار ایده جامعه است (فتاحی، ۱۳۸۴: ش: ۶۸) که از طریق ساختار زبان، ایدئولوژی متکلم نمایان می‌گردد.

تحلیل گفتمان یا سخن‌کاوی، رویکردی بین‌رشته‌ای در علوم اجتماعی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی و ادبیات است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ پدیدار شد (فلاح و شفیع‌پور، ۱۳۹۷: ۱۳۰). گفتمان به‌عنوان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن و فهم جهان تعریف می‌شود (یورگنسن و

فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۷) و به توالی‌های زبانی فراتر از جمله در گفتار یا نوشتار اشاره دارد (داد، ۱۳۹۲: ۲۰۸). برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسی که بر عناصر صرفی، لغوی و زمینه متنی متمرکز هستند، تحلیل گفتمان عوامل برون‌متنی مانند زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی را نیز در نظر می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). از ویژگی‌های اصلی تحلیل گفتمان، ۱- بار ایدئولوژیک متون: متون تحت تأثیر شرایط تولید و خالق خود، بار ایدئولوژیک دارند. ۲- تأثیر زمینه‌های برون‌متنی: معنا نه تنها از متن، بلکه از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی می‌شود. ۳- ارتباط با اقتدار: هر متن به منبعی از اقتدار (نه لزوماً سیاسی) مرتبط است، می‌باشد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۰).

پس گفتمان مجموعه‌ای به هم پیوسته از عمل اجتماعی، عمل گفتمانی و متن است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷). و تحلیل گفتمان چگونگی شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی را با توجه به عوامل درون‌زبانی (زمینه متن) و برون‌زبانی (زمینه اجتماعی و فرهنگی) بررسی می‌کند (خاکپور و لطفی، ۱۳۹۸: ۱۴۱).

۳ تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

تحلیل گفتمان انتقادی دارای نظریه‌پردازان مختلفی از جمله میشل فوکو، وان دایک، وون لیوون و فرکلاف می‌باشد. تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) رویکردی نوین با ریشه در زبان‌شناسی انتقادی است که در دهه‌های اخیر در پژوهش‌های متنوعی به کار گرفته شده است (فؤادیان و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۴). تحلیل گفتمان انتقادی برای بررسی جامعه و قدرت در کنار بررسی زبانی متون، از خلال تحلیل گفتمان که فقط زبان متن را به دور از بررسی قدرت و جامعه بررسی نمود، به وجود آمد. نورمن فرکلاف، از نظریه‌پردازان برجسته این حوزه، گفتمان را کردار اجتماعی می‌داند که از سه عنصر اصلی تشکیل شده است: عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و خود متن (فرکلاف، ۲۰۰۰: ۹۸) که هدف فرکلاف، آشکارسازی اهداف و ایدئولوژی‌های پنهان متون برای آگاهی‌بخشی به مخاطبان است (پاشازانوس و جعفری، ۱۳۹۴: ۴۲). این رویکرد به جای تمرکز صرف بر ساختار زبانی، به افراد و نهادهای دخیل در معناپردازی متون و بار ایدئولوژیک آن‌ها می‌پردازد (مکاریک، ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۶۱).

فرکلاف تحلیل گفتمان انتقادی را در سه سطح بررسی می‌کند که هر یک جنبه‌ای از گفتمان را پوشش می‌دهند:

۱. توصیف (سطح متنی): این سطح به ویژگی‌های صوری متن مانند واژگان، دستور، نظام آوایی و ساختارهای متنی می‌پردازد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰-۱۷۱). تحلیلگر به ارزش‌های تجربی (اطلاعات واقعی)، رابطه‌ای (روابط اجتماعی در متن) و بیانی (احساسات و نگرش‌ها) توجه کرده و سؤالات مرتبط را پاسخ می‌دهد. ساختارهای متنی، از جمله قراردادهای تعاملی و ارتباط متن با ساختارهای گسترده‌تر، بررسی می‌شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰-۱۷۹).

۲. تفسیر (سطح فرآیندهای تولید و دریافت گفتمان): این سطح بر تعامل بین فرآیندهای تولید و تفسیر متن تمرکز دارد. تحلیلگر رابطه متن و ذهنیت خود را بررسی می‌کند تا معانی نهفته را کشف کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). تفسیر ترکیبی از محتوای متن و دانش زمینه‌ای مفسر است و به چگونگی تولید و مصرف متون می‌پردازد. (کمالجو و اطهری نیا، ۱۳۹۸، ۷۹)

۳. تبیین (سطح اجتماعی-تاریخی): این سطح گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی گفتمان را شکل می‌دهند و گفتمان‌ها چگونه بر حفظ یا تغییر این ساختارها اثر می‌گذارند. تبیین به ارتباط گفتمان با زمینه‌های اجتماعی، تاریخی و سیاسی پرداخته و تأثیرات بازتولیدی گفتمان بر ساختارهای اجتماعی را بررسی می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

فرکلاف بر چهار مفهوم بنیادین تأکید دارد که در تحلیل گفتمان انتقادی نقش کلیدی دارند: ۱. قدرت که از طریق زبان و به‌ویژه ایدئولوژی در نهادهای اجتماعی جریان می‌یابد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۶۵). او بر رابطه زبان و قدرت تمرکز دارد و بررسی می‌کند که چگونه زبان در سلطه برخی بر دیگران به کار می‌رود (کلانتری، ۱۳۹۱: ۲۲). و قدرت پیزی است که معنا در خدمت آن است و زبان ابزاری برای ایجاد و حفظ روابط قدرت در جامعه محسوب می‌شود. ۲. ایدئولوژی که ابزار اصلی ایجاد و حفظ روابط قدرت است و از طریق کارکردهای ایدئولوژیک زبان در جوامع مدرن اعمال می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۶۷). و گفتمان‌ها یا هم‌سو با جهان‌بینی قدرت حاکم هستند یا در تقابل با آن شکل می‌گیرند (قهرمانی و بیدار، ۱۳۹۸: ۱۹۵). ۳. هژمونی که به سلطه فرهنگی و ایدئولوژیک گروه‌های خاص از طریق گفتمان اشاره دارد. فرکلاف بررسی می‌کند که چگونه گفتمان‌ها هژمونی را تقویت یا به چالش می‌کشند (سلطانی، ۱۳۸۷: ۳۵). ۴. بازنمایی اجتماعی که گفتمان‌ها بازنمایی‌های اجتماعی را شکل می‌دهند و تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی قرار می‌گیرند. این بازنمایی‌ها می‌توانند روابط قدرت و ایدئولوژی‌های نهفته را منعکس کنند (ملاابراهیمی و آبیاری، ۱۳۹۵: ۲۶۶-۲۶۷).

۴ معرفی نامه ۴۵ نهج البلاغه

نامه ۴۵ نهج البلاغه، از نامه‌های برجسته و عتاب‌آمیز امام علی (ع) است که خطاب به عثمان بن حنیف، والی بصره و نماینده ایشان، نوشته شده است. عثمان بن حنیف از یاران پیامبر (ص) بود و در جنگ احد و نبردهای پس از آن حضور داشت (الزركلی، ۲۰۰۲: ۲۰۵). او به دلیل مهارت در اقتصاد و سیاست، در زمان خلافت عمر، مسئولیت امور مالیاتی و جزیه، به‌ویژه در منطقه عراق، را بر عهده داشت (آملی، ۱۴۲۴: ۸۴). عثمان از اولین کسانی بود که پس از رحلت پیامبر (ص) به امام علی (ع) پیوست و تا پایان عمر به این پیمان وفادار ماند. هنگامی که به امام (ع) گزارش رسید که عثمان بن حنیف در ضیافت یکی از ثروتمندان بصره شرکت کرده، حضرت با نگرش این نامه عتاب‌آمیز، که سرشار از پند و اندرز است، او را با لحنی تند مورد سرزنش قرار دادند. این نامه، با موعظه‌ای شیوا، زهد و تقوای امام (ع) و اهتمام ایشان به نظارت بر عملکرد کارگزاران را نشان می‌دهد (الموسوی، ۱۴۱۸: ۴۷۳).

۵. تحلیل گفتمان انتقادی نامه ۴۵ نهج البلاغه طبق نظریه نورمن فرکلاف

نامه ۴۵ نهج البلاغه امام علی (ع) دارای سبک‌های زبانی متنوع متناسب با بافت موقعیتی و شرایط اجتماعی و سیاسی آن زمان است که امام این نامه را خطاب به عثمان بن حنیف نوشته تا او را پند داده و از فساد اجتماعی بر حذر داشته و او را به عدالت اجتماعی دعوت نماید.

۱-۵ توصیف (تحلیل سطح متنی)

در سطح توصیف، ویژگی‌های صوری و زبانی نامه ۴۵ نهج البلاغه، خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره، با تمرکز بر بازنمایی عدالت و نقد قدرت حکومتی بررسی می‌شود. این نامه با لحنی آمرانه، ناصحانه و در عین حال عاطفی نگاشته شده که نشان‌دهنده اقتدار معنوی، حکومتی و اخلاقی حضرت علی (ع) است. تحلیل ویژگی‌های زبانی، شامل واژگان، ساختارهای دستوری و ابزارهای بلاغی، نشان می‌دهد که چگونه این عناصر به بازنمایی مفاهیم عدالت و نقد سوءاستفاده از قدرت کمک کرده‌اند.

۱-۱-۵ انتخاب واژگان

واژگان به‌کاررفته در نامه ۴۵ حول محور ارزش‌های بنیادین اسلامی مانند عدالت، ساده‌زیستی، تقوا و مسئولیت‌پذیری شکل گرفته‌اند. برای مثال، در عبارت «أَمَّا بَعْدُ، يَا ابْنَ حَنْبَلٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْدِبَةٍ» (پس از یاد خدا و درود، ای پسر حنیف، به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره تو را به مهمانی خویش فراخوانده)، واژه‌هایی مانند «فِتْيَةٍ» (جوانان یا سرمایه‌داران) و «مَأْدِبَةٍ» (مهمانی) بار اجتماعی و طبقاتی دارند و به شکاف بین طبقات فقیر و غنی اشاره می‌کنند. این انتخاب واژگان، زمینه نقد تبعیض اجتماعی را فراهم می‌کند.

عباراتی مانند «عَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ وَ غَنِيَّهُمْ مَدْعُوفٌ» (نیازمندانشان با ستم محروم و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت‌شده‌اند) با استفاده از تقابل واژگانی «عائل» در برابر «غنی» و «مجفوف» در برابر «مدعوف»، نابرابری اجتماعی را برجسته می‌کنند. واژه «مجفوف» (محروم) بار احساسی و انتقادی قوی دارد و به بی‌عدالتی در توزیع منابع اشاره می‌کند. همچنین، واژگان دینی مانند «الله»، «تقوی» و «یوم الخوف الأكبر» (روز قیامت) مشروعیت الهی گفتمان علوی را تقویت کرده و نقد رفتار کارگزار را به سطحی متعالی ارتقا می‌دهند.

در بخش دیگری از نامه، استفاده از واژگان مرتبط با ساده‌زیستی، مانند «طَمْرِيْهِ» (دو جامه فرسوده) و «قُرْصِيْهِ» (دو قرص نان)، نشان‌دهنده تعهد حضرت علی (ع) به زهد و پرهیز از تجمل است. این واژگان، در کنار عباراتی مانند «عَفْصَةَ مَقْرَةٍ» (دانه تلخ درخت بلوط)، دنیا را به‌عنوان چیزی ناچیز و گذرا بازنمایی می‌کنند و ارزش‌های معنوی را در برابر مادیات برجسته می‌سازند.

۵-۱-۲ ساختارهای دستوری

ساختارهای دستوری در نامه ۴۵ نقش مهمی در انتقال پیام و ایجاد تأثیر عاطفی و اقناعی دارند. استفاده از جملات امری، مانند «فَأَنْظُرْ إِلَيَّ مَا تَقْضُمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ» (اندیشه کن که در کجایی؟) و بر سر کدام سفره می خوری؟)، لحن آمرانه‌ای را منتقل می‌کند که بر اقتدار حکومتی و مسئولیت‌پذیری کارگزار تأکید دارد. این جملات، عثمان بن حنیف را به بازنگری رفتار خود دعوت می‌کنند و بر ضرورت هوشیاری در برابر وسوسه‌های مادی تأکید دارند.

جملات پرسشی بلاغی، مانند «أَأَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ» (آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین (ع) خوانند و در سختی‌های روزگار با مردم شریک نباشم؟)، ذهن مخاطب را به چالش می‌کشند و او را وادار به تأمل در ارزش‌های اخلاقی می‌کنند. این پرسش‌ها، با ایجاد حس همدلی و مسئولیت‌پذیری، گفتمان عدالت‌محور را تقویت می‌کنند.

استفاده از ضمائر شخصی نیز در نامه قابل توجه است. ضمیر اول شخص مفرد («أنا») در عباراتی مانند «أَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ كَالصُّؤءِ مِنَ الصُّؤءِ» (من و رسول خدا (ص) روشنایی یک چراغیم) بر تعهد شخصی حضرت علی (ع) به اصول عدالت و ساده‌زیستی تأکید دارد و ایشان را به‌عنوان الگویی عملی معرفی می‌کند. در مقابل، ضمیر دوم شخص («أنت») در خطاب به عثمان بن حنیف، رابطه مستقیم و شخصی بین حاکم و کارگزار را نشان می‌دهد و بر نظارت دقیق حضرت علی (ع) بر عملکرد کارگزاران دلالت دارد.

جملات شرطی، مانند «وَلَوْ شِئْتُ لَأَهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفِّي هَذَا الْعَسَلِ» (اگر می‌خواستم، می‌توانستم به عسل پاک راه یابم)، قدرت انتخاب آگاهانه حضرت علی (ع) را در پرهیز از تجمل نشان می‌دهند و بر اراده ایشان در پایبندی به زهد تأکید می‌کنند. این ساختارها، با ایجاد تضاد بین امکانات مادی و انتخاب معنوی، پیام عدالت‌محور را تقویت می‌کنند.

۵-۱-۳ تشبیه و استعاره

ابزارهای بلاغی در نامه ۴۵ نقش کلیدی در تأثیرگذاری عاطفی و اقناعی متن دارند. استعاره و تشبیه به‌طور گسترده برای بازنمایی مفاهیم عدالت و نقد قدرت استفاده شده‌اند. برای مثال، در عبارت «وَلِهَيْبِي فِي عَيْنِي أَوْهَى وَأَوْهِنُ مِنْ عَفْصَةِ مَقْرَةٍ» (دنیای شما در چشم من از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است)، دنیا به دانه‌ای تلخ و بی‌ارزش تشبیه شده که بر گذرا و بی‌اهمیت بودن مادیات تأکید دارد. این استعاره، ارزش‌های معنوی و عدالت‌محور را در برابر مادیات برجسته می‌کند.

تشبیه حضرت علی (ع) به «الصُّؤءِ مِنَ الصُّؤءِ» (نور از نور) نسبت به رسول خدا (ص)، مشروعیت الهی و معنوی ایشان را تقویت می‌کند و جایگاه ایشان را به‌عنوان الگویی بی‌بدیل در عدالت و ساده‌زیستی تثبیت می‌کند. همچنین، استعاره‌هایی مانند «حَبْلُكَ عَلَيَّ غَارِبِكِ» (مهارت را بر پشت تو نهاده) در توصیف دنیا، آن را به حیوانی رام‌شده تشبیه می‌کند که حضرت علی (ع) از سلطه آن رها شده است، و بر استقلال ایشان از وسوسه‌های مادی تأکید دارد.

۴-۱-۵ سجع

سجع و موسیقی لفظی نیز در متن به وفور دیده می‌شود تا با آن مخاطب را تحت تأثیر قرار داده و از خلال آن، مخاطب را به چیزی که امام خواسته یعنی عدالت اجتماعی دعوت نماید. برای مثال، در عبارت «عَائِلُهُمْ مَجْفُؤٌ وَ غَنِيَّهُمْ مَدْعُؤٌ» (نیازمندان با ستم محروم و ثروتمندان بر سر سفره دعوت شده‌اند)، توازن و آهنگ کلمات، تأثیر عاطفی و انتقادی متن را تقویت می‌کند. این سجع، با ایجاد ریتم و هماهنگی، توجه مخاطب را به نابرابری اجتماعی جلب می‌کند و پیام عدالت‌محور را با قدرت بیشتری منتقل می‌کند.

تکرار به‌عنوان ابزاری بلاغی در عباراتی مانند «أَلَا وَ إِنَّا» (آگاه باشید که) در ابتدای چندین بند، بر اهمیت پیام و ضرورت توجه مخاطب تأکید دارد. این تکرار، لحن ناصحانه و هشداردهنده متن را تقویت کرده و عثمان بن حنیف را به بازنگری رفتار خود دعوت می‌کند.

۵-۱-۵ تضاد

تضاد نیز در متن به‌کار رفته است تا امام به فاصله طبقاتی و تضاد بین امور یعنی از جمله فساد و عدالت اشاره نموده تا مخاطب را از فساد برحذر داشته و او را به عدالت اجتماعی فرا بخواند. مانند تقابل بین «عَائِلُهُمْ» (نیازمندان) و «غَنِيَّهُمْ» (ثروتمندان) یا «طَمْرِيْهِ» (دو جامه فرسوده) و «مُصَنَّفِيْ هَذَا الْعَسَلِ» (عسل پاک). این تضادها، نابرابری اجتماعی و تعهد حضرت علی (ع) به ساده‌زیستی را برجسته می‌کنند و گفتمان عدالت‌محور را در برابر اشرافی‌گری قرار می‌دهند.

۶-۱-۵ ارزش‌های متنی (تجربی، رابطه‌ای و بیانی)

بر اساس چارچوب فرکلاف، ارزش‌های متنی نامه ۴۵ در سه دسته تجربی، رابطه‌ای و بیانی تحلیل می‌شوند:

ارزش تجربی: اطلاعات واقعی ارائه‌شده در نامه، مانند اشاره به حضور عثمان بن حنیف در مهمانی سرمایه‌داران و محرومیت نیازمندان، حقایق اجتماعی و سیاسی دوره خلافت حضرت علی (ع) را بازتاب می‌دهند. این اطلاعات، زمینه نقد رفتار کارگزار و تأکید بر عدالت را فراهم می‌کنند.

ارزش رابطه‌ای: رابطه بین حضرت علی (ع) و عثمان بن حنیف، به‌عنوان حاکم و کارگزار، از طریق لحن آمرانه و ناصحانه و استفاده از ضمایر شخصی («أنا» و «أنت») بازنمایی می‌شود. این رابطه، بر نظارت دقیق حاکم بر کارگزار و مسئولیت‌پذیری تأکید دارد.

ارزش بیانی: احساسات و نگرش‌های حضرت علی (ع) در عباراتی مانند «وَ حَسْبُكَ دَاءٌ أَنْ تَبِيَّتَ بِيْطْنِيَّ وَ حَوْلَكَ أَكْبَادٌ تَحْنُ إِلَى الْقَدِّ» (این درد تو را بس که شب را با شکم سیر بخوابی و اطراف تو

شکم‌های گرسنه و به پشت چسبیده باشند) آشکار می‌شود. این عبارات، حس همدلی با محرومان و خشم نسبت به بی‌عدالتی را منتقل می‌کنند و مخاطب را به تأمل وامی‌دارند. قراردادهای تعاملی در نامه ۴۵ شامل رابطه مستقیم بین گوینده (حضرت علی (ع)) و مخاطب (عثمان بن حنیف و به‌طور غیرمستقیم جامعه اسلامی) است. لحن نامه، ترکیبی از هشدار، نصیحت و دعوت به اصلاح است که از طریق جملات امری، پرسشی و تأکیدی منتقل می‌شود. این قراردادها، متن را به ابزاری برای اصلاح رفتار کارگزاران و ترویج ارزش‌های عدالت‌محور تبدیل می‌کنند.

۵-۲ تفسیر (تحلیل فرآیندهای تولید و دریافت گفتمان)

در سطح تفسیر، فرآیندهای تولید و دریافت گفتمان نامه ۴۵ نهج البلاغه در بستر تاریخی، اجتماعی و سیاسی دوره خلافت حضرت علی (ع) بررسی می‌شود. این سطح از تحلیل، بر تعامل بین متن، زمینه تولید آن و ذهنیت مخاطبان تمرکز دارد و چگونگی شکل‌گیری معانی نهفته در متن را با توجه به دانش زمینه‌ای و شرایط اجتماعی-تاریخی کاوش می‌کند. نامه ۴۵، خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره، در سال ۳۶ هجری نگاشته شده و پاسخی مستقیم به رفتار ناشایست او در پذیرش دعوت به مهمانی اشرافی و احتمال سوءاستفاده از موقعیت حکومتی است. این نامه، به‌طور غیرمستقیم، مخاطب گسترده‌تری شامل کارگزاران حکومتی و جامعه اسلامی را هدف قرار می‌دهد و گفتمانی عدالت‌محور را در برابر هژمونی اشرافی‌گری و فساد ترویج می‌کند.

۵-۲-۱ بافت موقعیتی و زمینه تولید گفتمان

نامه ۴۵ در بستری نوشته شده که جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) و در دوره خلافت حضرت علی (ع) با چالش‌های متعددی مواجه بود. این دوره، شاهد شکاف‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بود که از جمله آن‌ها می‌توان به نفوذ اشرافی‌گری قبیله‌ای، انحراف از ارزش‌های اولیه اسلام و فساد برخی کارگزاران حکومتی اشاره کرد. گزارش‌هایی که به حضرت علی (ع) درباره حضور عثمان بن حنیف در ضیافتی اشرافی و احتمال سوءاستفاده از اموال عمومی رسیده بود، انگیزه اصلی نگارش این نامه را تشکیل می‌دهد. عبارت ابتدایی نامه، «فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ قُتَيْبَةَ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْدِبَةٍ» (به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره تو را به مهمانی خویش فراخوانده)، نشان‌دهنده نظارت دقیق حضرت علی (ع) بر عملکرد کارگزاران و حساسیت ایشان نسبت به حفظ عدالت و پاسخگویی حکومتی است.

این زمینه تاریخی، نشان‌دهنده تنش بین گفتمان عدالت‌محور علوی و گفتمان‌های رقیب، مانند اشرافی‌گری و فساد مالی، است. حضرت علی (ع) از طریق این نامه، نه تنها عثمان بن حنیف را مورد خطاب قرار می‌دهد، بلکه به‌طور غیرمستقیم به کارگزاران دیگر و جامعه اسلامی هشدار می‌دهد که انحراف از اصول عدالت و ساده‌زیستی، مشروعیت حکومتی را تضعیف می‌کند. استفاده از لحن آمرانه و ناصحانه، مانند «فَأَنْظُرْ إِلَيَّ مَا تَقْضَمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ» (اندیشه کن که در کجایی؟ و بر سر کدام

سفره می خوری؟)، نشان‌دهنده تلاش حضرت علی (ع) برای اصلاح رفتار کارگزاران و بازسازی گفتمان اسلامی مبتنی بر زهد و عدالت است.

۵-۲-۲ فرآیند دریافت گفتمان

مخاطبان نامه ۴۵ شامل دو گروه اصلی هستند: عثمان بن حنیف به‌عنوان مخاطب مستقیم و جامعه اسلامی (کارگزاران، نخبگان و مردم عادی) به‌عنوان مخاطبان غیرمستقیم. فرآیند دریافت گفتمان توسط این مخاطبان تحت تأثیر دانش زمینه‌ای، ارزش‌های فرهنگی و شرایط اجتماعی-سیاسی زمانه قرار دارد. برای عثمان بن حنیف، نامه به‌عنوان هشدار مستقیم عمل می‌کند که او را به بازنگری رفتار خود و بازگشت به اصول عدالت و ساده‌زیستی دعوت می‌کند. پرسش‌های بلاغی مانند «أَفَتَعَمُّ مِنْ نَفْسِي بَأَنَّ يُقَالَ هَذَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ» (آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین (ع) خوانند و در سختی‌های روزگار با مردم شریک نباشم؟) ذهنیت او را به چالش می‌کشند و او را وادار به تأمل در مسئولیت‌های حکومتی و اخلاقی خود می‌کنند.

برای مخاطبان غیرمستقیم، نامه به‌عنوان سندی آموزشی و اصلاحی عمل می‌کند که ارزش‌های بنیادین حکمرانی اسلامی را ترویج می‌دهد. عباراتی مانند «أَلَا وَ إِنِّ إِمَامَكُمْ قَدْ أَكْتَفَى مِنْ دُنْيَاةٍ بَطْمَرِيَةٍ وَ مِنْ طُعْمِهِ بَقْرَصِيَةٍ» (آگاه باش، امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است) الگویی عملی از ساده‌زیستی ارائه می‌دهد که برای کارگزاران و مردم عادی الهام‌بخش است. این الگو، با ایجاد حس همدلی و همبستگی، مخاطبان را به پیروی از ارزش‌های عدالت‌محور تشویق می‌کند.

دانش زمینه‌ای مخاطبان، شامل باورهای دینی و ارزش‌های اسلامی مانند تقوا، زهد و عدالت، در دریافت پیام نامه نقش کلیدی دارد. اشاره به مفاهیم دینی مانند «یوم الخوف الأكبر» (روز قیامت) و استناد به آیات قرآنی، مانند «أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ» (آنان حزب خدا هستند)، با ذهنیت مذهبی مخاطبان همخوانی دارد و تأثیر عاطفی و اقتناعی متن را تقویت می‌کند. این ارجاعات، گفتمان علوی را به‌عنوان گفتمانی مشروع و الهی تثبیت می‌کنند و مخاطبان را به پذیرش و عمل به آن ترغیب می‌کنند.

۵-۲-۳ بازنمایی عدالت

عدالت در نامه ۴۵ به‌عنوان ارزشی بنیادین و الهی بازنمایی می‌شود که در رفتار حاکم و کارگزاران باید متجلی شود. حضرت علی (ع) با تأکید بر ساده‌زیستی خود، مانند «أَنَا مِنْ دُنْيَاةٍ بَطْمَرِيَةٍ وَ مِنْ طُعْمِهِ بَقْرَصِيَةٍ» (از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده ام)، الگویی عملی برای کارگزاران ارائه می‌دهند. این بازنمایی، عدالت را نه تنها به‌عنوان یک اصل نظری، بلکه به‌عنوان یک تعهد عملی در زندگی روزمره ترسیم می‌کند.

عدالت همچنین از طریق نقد نابرابری اجتماعی بازنمایی می‌شود. عبارت «عَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ وَغَنِيَّهُمْ مَدْعُوفٌ» (نیازمندانشان با ستم محروم و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند) به شکاف طبقاتی و بی‌عدالتی در توزیع منابع اشاره دارد. این نقد، با ایجاد حس همدلی با محرومان، مخاطبان را به بازاندیشی در رفتار خود و حمایت از عدالت اجتماعی دعوت می‌کند. استفاده از ضمائر اول شخص («أنا») و جملات شرطی، مانند «وَلَوْ شِئْتُ لَأَهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَّى هَذَا الْعَسَلِ» (اگر می‌خواستم، می‌توانستم به عسل پاک راه یابم)، بر انتخاب آگاهانه حضرت علی (ع) برای پرهیز از تجمل تأکید دارد و عدالت را به‌عنوان یک ارزش ارادی و آگاهانه بازنمایی می‌کند.

۴-۲-۵ تعامل متن و ذهنیت مخاطب

تعامل بین متن و ذهنیت مخاطب در نامه ۴۵ از طریق لحن چندلایه (آمرانه، ناصحانه و عاطفی) و استفاده از ابزارهای بلاغی شکل می‌گیرد. لحن آمرانه، مانند «فَاتَّقِ اللَّهَ يَا ابْنَ حُنَيْفٍ» (پس از خدا بترس ای پسر حنیف)، اقتدار حکومتی و معنوی حضرت علی (ع) را نشان می‌دهد و مخاطب را به تبعیت و اصلاح رفتار ترغیب می‌کند. لحن ناصحانه، مانند «وَلْتَكْفُفْ أَقْرَابَكَ لِيَكُونَ مِنَ النَّارِ خَلَاصُكَ» (و به قرص‌های نان خود قناعت کن تا تو را از آتش دوزخ رهایی بخشد)، با ایجاد حس مسئولیت دینی، مخاطب را به تأمل در عواقب اخروی اعمال خود دعوت می‌کند. لحن عاطفی نیز در عباراتی مانند «أَوْ أَيْتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بَطُونٌ عَزَّتِي وَ أَكْبَادٌ حَرَّتِي» (یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده و جگرهای سوخته وجود داشته باشد) آشکار است. این لحن، با برانگیختن حس همدلی با محرومان، مخاطبان را به حمایت از عدالت اجتماعی و پرهیز از تجمل تشویق می‌کند. این تعامل چندلایه، متن را به ابزاری قدرتمند برای اصلاح رفتار فردی و اجتماعی تبدیل می‌کند.

۵-۲-۵ تأثیرات گفتمانی

نامه ۴۵ نه تنها به‌عنوان نقدی بر رفتار عثمان بن حنیف عمل می‌کند، بلکه گفتمانی عدالت‌محور را در جامعه اسلامی ترویج می‌دهد. این گفتمان، با تأکید بر ساده‌زیستی، پاسخگویی حکومتی و همدلی با محرومان، در برابر گفتمان‌های رقیب مانند اشرافی‌گری و فساد مالی قرار می‌گیرد. تأثیرات گفتمانی نامه در بازسازی هویت کارگزاران حکومتی به‌عنوان خدمتگزاران مردم، تقویت همبستگی اجتماعی و تثبیت مشروعیت الهی حکومت علوی دیده می‌شود. این نامه همچنین با ایجاد پیوند بین ارزش‌های دینی و مسئولیت‌های حکومتی، ذهنیت مخاطبان را به‌سوی بازاندیشی در نقش خود در جامعه هدایت می‌کند. عباراتی مانند «طُوبَى لِنَفْسٍ أَدَّتْ إِلَى رَبِّهَا قَرْصَهَا» (خوشا به حال آن کس که مسئولیت‌های واجب را در پیشگاه خدا به انجام رساند) با استناد به ارزش‌های دینی، مخاطبان را به عمل به وظایف اخلاقی و اجتماعی ترغیب می‌کنند و گفتمان علوی را به‌عنوان الگویی برای حکمرانی عادلانه تثبیت می‌کنند.

۳-۵ تبیین (تحلیل اجتماعی)

در سطح تبیین، نامه ۴۵ نهج البلاغه به عنوان کنشی اجتماعی در بستر تاریخی، سیاسی و اجتماعی دوره خلافت حضرت علی (ع) (سال‌های ۳۵ تا ۴۰ هجری) بررسی می‌شود. این سطح از تحلیل، با تمرکز بر رابطه بین گفتمان و ساختارهای اجتماعی، نشان می‌دهد که چگونه نامه ۴۵ نه تنها نقدی بر رفتار فردی عثمان بن حنیف، فرماندار بصره، است، بلکه بازتابی از تلاش حضرت علی (ع) برای بازسازی ارزش‌های اسلامی، مقابله با فساد حکومتی و ترویج گفتمانی عدالت‌محور در برابر هژمونی‌های اشرافی‌گری و انحرافات اجتماعی است. این تحلیل همچنین ارتباط گفتمان علوی با مسائل معاصر مانند عدالت اجتماعی، پاسخگویی حکومتی و مبارزه با فساد را مورد توجه قرار می‌دهد.

۱-۳-۵ بستر اجتماعی-تاریخی

نامه ۴۵ در دوره‌ای نگاشته شده که جامعه اسلامی با چالش‌های عمیق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مواجه بود. پس از رحلت پیامبر (ص) و در دوره خلافت حضرت علی (ع)، شکاف‌های طبقاتی، نفوذ اشرافی‌گری قبیله‌ای و انحراف از ارزش‌های اولیه اسلام مانند عدالت و ساده‌زیستی به معضلاتی جدی تبدیل شده بودند. بصره، به عنوان یکی از مراکز مهم اقتصادی و سیاسی امپراتوری اسلامی، شاهد تمرکز ثروت در دست نخبگان قبیله‌ای و سرمایه‌داران بود که اغلب با محرومیت توده‌های مردم همراه بود. این نابرابری، زمینه‌ساز فساد مالی و سوءاستفاده برخی کارگزاران حکومتی از موقعیت خود شد، همان‌طور که در رفتار عثمان بن حنیف در پذیرش دعوت به ضیافت اشرافی مشاهده می‌شود.

حضرت علی (ع)، به عنوان حاکمی که مشروعیت خود را از سیره نبوی و ارزش‌های الهی اسلام می‌گرفت، با این چالش‌ها از طریق نظارت دقیق بر کارگزاران و ترویج گفتمانی عدالت‌محور مقابله کردند. نامه ۴۵، با اشاره به نابرابری اجتماعی در عبارت «عَائِلُهُمْ مَجْفُؤٌ وَعَيْيُهُمْ مَدْعُؤٌ» (نیازمندانشان با ستم محروم و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند)، نه تنها رفتار فردی عثمان بن حنیف را نقد می‌کند، بلکه ساختارهای اجتماعی ناعادلانه‌ای را که چنین رفتارهایی را ممکن ساخته‌اند، به چالش می‌کشد. این نقد، در بستری تاریخی که شاهد تنش‌های سیاسی مانند جنگ‌های جمل و صفین و رقابت با معاویه بود، نشان‌دهنده تلاش حضرت علی (ع) برای حفظ وحدت اجتماعی و تثبیت مشروعیت حکومت عدالت‌محور خود است.

۲-۳-۵ ساختارهای قدرت و هژمونی

بر اساس چارچوب فرکلاف، گفتمان‌ها بازتاب‌دهنده و شکل‌دهنده روابط قدرت در جامعه هستند. در دوره خلافت حضرت علی (ع)، دو گفتمان اصلی در رقابت با یکدیگر بودند: گفتمان

عدالت‌محور علوی، مبتنی بر زهد، تقوا و پاسخگویی حکومتی، و گفتمان هژمونیک اشرافی‌گری و فساد، که توسط برخی نخبگان قبیله‌ای و کارگزاران فاسد ترویج می‌شد. نامه ۴۵، با تأکید بر ساده‌زیستی حضرت علی (ع) در عباراتی مانند «إِمَامَكُمْ قَدْ أَكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ» (امام شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است)، گفتمان عدالت‌محور را تقویت می‌کند و در برابر هژمونی اشرافی‌گری، که در رفتارهایی مانند ضیافت‌های اشرافی و سوءاستفاده از اموال عمومی متجلی بود، قرار می‌گیرد.

این نامه، با افشای تضاد بین رفتار کارگزاران و ارزش‌های اسلامی، ساختارهای قدرت ناعادلانه را به چالش می‌کشد. استفاده از استعاره‌هایی مانند «الْبَهِيمَةُ الْمَرْبُوطَةُ» (حیوان پرواری) برای توصیف کارگزارانی که به لذت‌های مادی مشغول‌اند، نه تنها رفتار فردی آن‌ها را تحقیر می‌کند، بلکه گفتمان مادی‌گرایانه‌ای را که چنین رفتارهایی را توجیه می‌کند، زیر سؤال می‌برد. این نقد، به بازتولید گفتمان علوی به‌عنوان گفتمانی مشروع و الهی کمک می‌کند و هژمونی اشرافی‌گری را تضعیف می‌سازد.

۳-۳-۵ تأثیرات ایدئولوژیک

ایدئولوژی عدالت‌محور در نامه ۴۵ از طریق پیوند مفاهیم دینی و سیاسی بازتولید می‌شود. حضرت علی (ع) با استناد به ارزش‌های اسلامی مانند تقوا، زهد و قیامت، مشروعیت خود را به‌عنوان حاکمی عادل تقویت می‌کنند. برای مثال، اشاره به «يَوْمَ الْحَوْفِ الْأَكْبَرِ» (روز قیامت) و آیات قرآنی مانند «أُولَئِكَ جُزْءُ اللَّهِ» (آنان حزب خدا هستند) در پایان نامه، رفتار کارگزاران را در چارچوبی اخروی ارزیابی می‌کند و آن‌ها را به مسئولیت‌پذیری در برابر خدا و مردم دعوت می‌کند. این پیوند، ایدئولوژی عدالت را به‌عنوان ارزشی الهی و غیرقابل مذاکره تثبیت می‌کند.

از منظر فرکلاف، ایدئولوژی‌ها از طریق گفتمان‌هایی که روابط قدرت را طبیعی جلوه می‌دهند، بازتولید می‌شوند. نامه ۴۵، با نقد رفتارهایی که روابط قدرت ناعادلانه (مانند تبعیض طبقاتی و فساد مالی) را تقویت می‌کنند، این طبیعی‌سازی را مختل می‌کند. عباراتی مانند «أَوْ أَيْتٍ مِطْطَانًا وَ حَوْلِي بُطُونٌ عَزْزِيٌّ وَ أَكْبَادٌ حَزْرِيٌّ» (یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی و جگرهای سوخته وجود داشته باشد) با برانگیختن حس همدلی با محرومان، ایدئولوژی عدالت‌محور را در برابر ایدئولوژی مادی‌گرایانه قرار می‌دهند و مخاطبان را به حمایت از ارزش‌های اسلامی ترغیب می‌کنند. این تأثیرات ایدئولوژیک، نه تنها رفتار کارگزاران را اصلاح می‌کنند، بلکه به بازسازی هویت جامعه اسلامی به‌عنوان جامعه‌ای عدالت‌محور کمک می‌کنند.

۴-۳-۵ شیوه تعامل با گفتمان‌های مخالف

نامه ۴۵ به‌طور فعال به شیوه تعامل با گفتمان‌های مخالف، از جمله گفتمان اشرافی‌گری قبیله‌ای و گفتمان معاویه به‌عنوان نماینده قدرت سیاسی مخالف، می‌پردازد. گفتمان اشرافی‌گری که در ضیافت‌های اشرافی و تمرکز ثروت در دست نخبگان متجلی بود، ارزش‌های مادی‌گرایانه را ترویج می‌کرد و با اصول عدالت و ساده‌زیستی اسلامی در تضاد بود. حضرت علی (ع) با نقد این گفتمان در

عباراتی مانند «فَمَا خُلِقْتُ لِيَشْعَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ» (آفریده نشده‌ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد)، آن را به‌عنوان گفتمانی غیرمشروع و غیراسلامی افشا می‌کنند.

علاوه بر این، نامه ۴۵ به‌طور غیرمستقیم با گفتمان معاویه، که مبتنی بر قدرت طلبی مبتنی بر استفاده ابزاری از دین بود، مقابله می‌کند. اشاره حضرت علی (ع) به تلاش برای پاک‌سازی زمین از گفتمان مخالف، نشان‌دهنده تقابل گفتمانی است. این تقابل، گفتمان علوی را به‌عنوان گفتمانی عدالت‌محور و الهی در برابر گفتمانی است که به دنبال تثبیت هژمونی سیاسی از طریق فساد و فریب بود، قرار می‌دهد. این تعامل، نه‌تنها مشروعیت حکومت علوی را تقویت می‌کند، بلکه به بازسازی ارزش‌های اسلامی در جامعه کمک می‌کند.

۵-۳-۵ بازنمایی اجتماعی و تحول ساختارها

از منظر فرکلاف، گفتمان‌ها بازنمایی‌های اجتماعی را شکل می‌دهند و تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی قرار می‌گیرند. نامه ۴۵، با بازنمایی کارگزاران حکومتی به‌عنوان خدمتگزاران مردم به‌جای بهره‌برندگان از قدرت، هویت اجتماعی آن‌ها را بازسازی می‌کند. این بازنمایی، با تأکید بر مسئولیت‌پذیری و ساده‌زیستی در عباراتی مانند «فَاتَّقِ اللَّهَ يَا ابْنَ حُنَيْفٍ وَ لَتَكْفُفَ أَقْرَابُكَ» (پس از خدا بترس ای پسر حنیف و به قرص‌های نان خودت قناعت کن)، کارگزاران را به پذیرش نقش خود به‌عنوان امانت‌داران اموال عمومی دعوت می‌کند.

این بازنمایی، به تحول ساختارهای اجتماعی کمک می‌کند. با ترویج گفتمانی که عدالت و پاسخگویی را در مرکز حکمرانی قرار می‌دهد، نامه ۴۵ ساختارهای قدرت ناعادلانه، مانند تمرکز ثروت و تبعیض طبقاتی، را به چالش می‌کشد. این تحول، نه‌تنها در سطح فردی (اصلاح رفتار کارگزاران) بلکه در سطح اجتماعی (تقویت همبستگی و کاهش شکاف طبقاتی) اثرگذار است. تأکید بر همدلی با محرومان، مانند اشاره به «بُطُونٌ غَرَّتْ وَ أَكْبَادٌ حَرَّتْ» (شکم‌های گرسنه و جگرهای سوخته)، به بازسازی هویت جامعه اسلامی به‌عنوان جامعه‌ای همبسته و عدالت‌محور کمک می‌کند.

۵-۳-۶ ارتباط با مسائل معاصر

نامه ۴۵، با تأکید بر عدالت اجتماعی، پاسخگویی حکومتی و مبارزه با فساد، همچنان برای جوامع معاصر الهام‌بخش است. در جهانی که فساد مالی، نابرابری اقتصادی و سوءاستفاده از قدرت چالش‌های اصلی نظام‌های سیاسی هستند، گفتمان علوی می‌تواند به‌عنوان الگویی برای اصلاحات سیاسی و اجتماعی عمل کند. اصول مطرح‌شده در نامه، مانند ساده‌زیستی حاکمان، نظارت بر عملکرد کارگزاران و همدلی با محرومان، با نیازهای جوامع مدرن برای شفافیت، عدالت توزیعی و حکمرانی خوب همخوانی دارد.

برای مثال، نقد حضرت علی (ع) بر حضور کارگزاران در ضیافت‌های اشرافی، به مسائل معاصری مانند تعارض منافع و رانت‌خواری در میان مقامات دولتی اشاره دارد. همچنین، تأکید بر پاسخگویی حکومتی در عبارت «فَقَدْ بَلَّغْنِي» (به من گزارش دادند)، اهمیت نظارت مردمی و مکانیزم‌های پاسخگویی در نظام‌های دموکراتیک را یادآوری می‌کند. این ارتباط، نشان‌دهنده جامعیت و جاودانگی گفتمان علوی است که فراتر از بستر تاریخی خود، برای حل چالش‌های معاصر کاربرد دارد.

۷-۳-۵ نقش زبان در تحول اجتماعی

از منظر فرکلاف، زبان ابزاری برای ایجاد و حفظ روابط قدرت یا تغییر آن‌ها است. نامه ۴۵، با استفاده از زبان به‌عنوان ابزاری برای نقد قدرت و ترویج عدالت، نشان می‌دهد که گفتمان می‌تواند تغییرات اجتماعی عمیقی ایجاد کند. لحن چندلایه (آمرانه، ناصحانه و عاطفی)، ابزارهای بلاغی (استعاره، سجع و تضاد) و استناد به ارزش‌های دینی، زبان را به ابزاری قدرتمند برای افزایش ساختارهای ناعادلانه و ترویج گفتمانی عدالت‌محور تبدیل می‌کنند. این نقش زبان، نه تنها در اصلاح رفتار کارگزاران، بلکه در بازسازی هویت اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی اثرگذار بوده است. تحلیل گفتمان انتقادی نامه ۴۵ نهج‌البلاغه با رویکرد فرکلاف نشان داد که عدالت و نقد قدرت حکومتی از طریق سازوکارهای زبانی و گفتمانی متعددی بازنمایی شده‌اند. در سطح توصیف، واژگان دینی، ساختارهای دستوری آمرانه و ابزارهای بلاغی مانند استعاره و سجع، پیام عدالت‌محور را تقویت کرده‌اند. در سطح تفسیر، زمینه تاریخی تولید نامه و رابطه مستقیم بین حاکم و کارگزار، بر مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی تأکید دارد. در سطح تبیین، نامه ۴۵ به‌عنوان کنشی اجتماعی، گفتمان عدالت‌محور را در برابر گفتمان‌های هژمونیک اشرافی‌گری و فساد ترویج می‌کند. این یافته‌ها نه تنها عمق گفتمان علوی را نشان می‌دهند، بلکه کاربرد آن را در نقد نظام‌های سیاسی معاصر تأیید می‌کنند.

۸-۳-۵ نقد قدرت حکومتی

نقد قدرت حکومتی در نامه ۴۵ از طریق افشای تضاد بین رفتار کارگزاران و ارزش‌های اسلامی صورت می‌گیرد. حضرت علی (ع) با پرسش‌های بلاغی، مانند «أَفَتَرِضُونَ بِطَاعَةِ الدُّنْيَا عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؟» (آیا به اطاعت از دنیا به جای اطاعت از خدا رضایت می‌دهید؟)، کارگزاران را به بازاندیشی در رفتار خود دعوت می‌کنند. این پرسش‌ها، با ایجاد حس مسئولیت‌پذیری، ذهنیت مخاطبان را به سوی ارزش‌های الهی هدایت می‌کنند و گفتمان عدالت‌محور را در برابر وسوسه‌های مادی قرار می‌دهند. نقد قدرت همچنین از طریق تقابل بین سیره حضرت علی (ع) و رفتار ناشایست کارگزاران تقویت می‌شود. عباراتی مانند «فَمَا خُلِقْتُ لِيَسْغَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ» (آفریده نشده‌ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد، چونان حیوان پرواری) با تشبیه رفتار کارگزاران به حیوانات، سوءاستفاده از قدرت را تحقیر می‌کند و بر ضرورت پایبندی به ارزش‌های اخلاقی تأکید دارند. این نقد، نه تنها رفتار فردی عثمان بن حنیف را هدف قرار می‌دهد، بلکه به‌طور کلی گفتمان‌های هژمونیک اشرافی‌گری و فساد را به چالش می‌کشد.

۴ نتیجه گیری

تحلیل گفتمان انتقادی نامه ۴۵ نهج البلاغه با رویکرد نورمن فرکلاف نشان داد که این نامه، به‌عنوان یکی از اسناد برجسته تاریخی، دینی و ادبی، با بهره‌گیری از سازوکارهای زبانی و گفتمانی، مفاهیم عدالت و نقد قدرت حکومتی را به‌گونه‌ای عمیق و تأثیرگذار بازنمایی کرده است. در سطح توصیف، استفاده از واژگان دینی و ارزش‌محور مانند «تقوی»، «عدالت» و «زهد»، ساختارهای دستوری آمرانه و پرسشی، و ابزارهای بلاغی نظیر استعاره، سجع و تضاد، پیام عدالت‌محور و انتقادی را با اقتدار و تأثیر عاطفی منتقل کرده‌اند. این عناصر زبانی، نه تنها رفتار ناشایست کارگزار حکومتی را نقد می‌کنند، بلکه الگویی عملی از ساده‌زیستی و مسئولیت‌پذیری ارائه می‌دهند. در سطح تفسیر، بررسی بستر تولید و دریافت گفتمان نشان داد که نامه ۴۵ در شرایطی از تنش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دوره خلافت حضرت علی (ع) نگاشته شده است. این نامه، با لحنی چندلایه (آمرانه، ناصحانه و عاطفی)، عثمان بن حنیف و به‌طور غیرمستقیم جامعه اسلامی را به بازنگری رفتار و پایبندی به ارزش‌های عدالت و ساده‌زیستی دعوت می‌کند. بازنمایی عدالت به‌عنوان ارزشی الهی و عملی، و نقد قدرت از طریق افشای نابرابری اجتماعی و فساد، گفتمان علوی را در برابر گفتمان‌های هژمونیک اشرافی‌گری و مادی‌گرایی قرار می‌دهد. در سطح تبیین، نامه ۴۵ به‌عنوان کنشی اجتماعی، نه تنها رفتار فردی کارگزاران را اصلاح می‌کند، بلکه به بازسازی ساختارهای اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی کمک می‌کند. این نامه، با ترویج گفتمانی عدالت‌محور و الهی، هژمونی اشرافی‌گری و فساد را به چالش کشیده و هویت کارگزاران حکومتی را به‌عنوان خدمتگزاران مردم بازتعریف می‌کند. تأثیرات ایدئولوژیک این گفتمان، از طریق پیوند ارزش‌های دینی و مسئولیت‌های حکومتی، به تقویت همبستگی اجتماعی و تثبیت مشروعیت حکومت علوی منجر شده است. یافته‌های این پژوهش، جامعیت و جاودانگی گفتمان علوی را تأیید می‌کنند. مفاهیم مطرح‌شده در نامه ۴۵، مانند عدالت اجتماعی، پاسخگویی حکومتی و مبارزه با فساد، با چالش‌های معاصر نظیر نابرابری اقتصادی، رانت‌خواری و تعارض منافع همخوانی دارند و می‌توانند به‌عنوان الگویی برای اصلاحات سیاسی و اجتماعی در جوامع مدرن مورد استفاده قرار گیرند. این مطالعه، با پر کردن خلأ پژوهش‌های مستقل درباره نامه ۴۵، گامی در راستای شناخت عمیق‌تر ارزش‌های نهج البلاغه و کاربرد آن در نقد نظام‌های سیاسی برداشته است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی، با تمرکز بر مقایسه تطبیقی نامه‌های نهج البلاغه یا تحلیل گفتمان‌های معاصر با الهام از گفتمان علوی، ابعاد دیگری از این میراث گران‌بها را کاوش کنند.

منابع و مأخذ

نهج البلاغه

الآملى، حسن. (۱۴۲۴). منهج البراعة فى شرح نهج البلاغه. بيروت: دار إحياء التراث العربى. تاجيك، محمدرضا. (۱۳۸۳). گفتمان، پادگفتمان و سياست. تهران: موسسه تحقيقات و علوم انسانی.

حدادی، الهام، و ديگران. (۱۳۹۰). "کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه بر پایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف". مجله نقد ادبی، ۵(۱۸)، صص ۲۵-۴۹.

خاکپور، حسین، و لطفی، مریم. (۱۳۹۸). "تحلیل گفتمان انتقادی امام حسن مجتبی پس از رحلت رسول خدا بر اساس نظریه فرکلاف". مطالعات ادبی متون اسلامی، ۴(۴)، صص ۱۳۷-۱۵۸.

داد، سیما. (۱۳۹۲). فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ ششم. تهران: مروارید.

دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: مشهور.

ذکایی، عبدالحسین، صیادی نژاد، روح‌الله، و اقبالی، عباس. (۱۳۹۹). "تحلیل گفتمان نامه دهم نهج البلاغه بر اساس الگوی فرکلاف". ادب عربی، ۱۲(۲)، صص ۶۳-۸۳.

الزركلى، خيرالدين. (۲۰۰۲). الأعلام، چاپ پانزدهم. بيروت: دارالعلم للملایین.

سلطانی، سید علی اصغر. (۱۳۸۷). قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نشر نی.

سلامی استاد، محمد، و ديگران. (۱۳۹۹). "کارکرد زبان به مثابه ابزار امنیتی: تحلیل سخنرانی ملک سلمان در اجلاس ریاض". پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، ۸(۲)، صص ۱۳۹-۱۷۰.

شلیفر، آلن گولد. (۱۹۸۷م)، "نحو سیمیا الخطاب السلطوي"، دارالبیضاء: مجله بیت الحکمة، ۵(۲)، صص ۱۳۵-۱۴۷.

شیرزادی، منصوره، شرف‌زاده، محمدحسین، و رستگار حقیقی شیرازی، زهرا. (۱۴۰۴). "تحلیل گفتمان انتقادی بازنمایی قیامت در قرآن و نهج البلاغه و نقش آن در تولید مشروعیت سیاسی".

جستارهای سیاسی معاصر، (مقالات آماده نشر)

فؤادیان، محمد حسن، درستکار، هانیه و تقی زاده، معصومه. (۱۴۰۰). "تحلیل گفتمان ادبی خطبه حضرت زهرا (س) در برابر زنان مهاجرین و انصار". مطالعات ادبی متون اسلامی، ۷(۲۲)، صص ۴۳-۶۷.

فتاحی، سیدمهدی. (۱۳۸۷)، "گفتمان قدرت در اندیشه میشل فوکو"، فصلنامه دانشنامه، ۴، صص ۶۵-۷۳.

فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه: فاطمه شایسته پیران، تهران: مرکز مطالعات رسانه‌ها.

فلاح، ابراهیم، و شفیع پور، سجّاد. (۱۳۹۷). "گفتمان کاوی سوره شمس بر اساس الگوی نورمن فرکلاف". پژوهش نامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۷(۱)، صص ۲۹-۴۲.

- قهرمانی، علی، و فاضل بیدار. (۱۳۹۸). "تحلیل گفتمان انتقادی در نهج البلاغه بر اساس تئوری نورمن فرکلاف (مطالعه موردی خطبه‌های علی (ع) در جریان فتنه خوارج)". پژوهشنامه امامیه، ۵(۹)، صص ۱۷۵-۱۹۸. <https://sid.ir/paper/266498/fa>
- کلانتری، عبدالحسین. (۱۳۹۱). گفتمان از سه منظر زبان‌شناختی، فلسفی و جامعه‌شناختی. تهران: جامعه‌شناسان.
- کمالجو، مصطفی، و اطهری‌نیا، مریم. (۱۳۹۸). "تحلیل و بررسی گفتمان رمان صخب‌البحیره از محمد البساطی (در پرتو رویکرد انتقادی نورمن فرکلاف)". پژوهش‌نامه ادبیات داستانی، ۸(۴)، صص ۷۵-۹۱.
- محسنی، سید محمدجواد. (۱۳۹۱). "جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف". معرفت فرهنگی اجتماعی، ۳(۳)، صص ۶۳-۸۶.
- محسنی، علی‌اکبر، و پروین، نورالدین. (۱۳۹۴). "بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی توصیف کوفیان)". پژوهش‌نامه علوی، ۶(۱۲)، صص ۱۳۳-۱۵۵.
- ملاابراهیمی، عزت، و آبیاری قمصری، محیا. (۱۳۹۵). "تحلیل گفتمان انتقادی شعری زینب حبش". زن در فرهنگ و هنر، ۸(۲)، صص ۲۶۵-۲۸۰.
- الموسوی، سیدعباس علی. (۱۴۱۸). شرح نهج البلاغه، بیروت: دارالرسول الأکرم.
- موسوی بفروثی، سیدمحمد، زارع زردینی، احمد، زارعی محمودآبادی، حسن، و اثنی‌عشری، فاطمه. (۱۳۹۹). "تحلیل مبانی سیاست‌ورزی امام علی (ع) در نامه ۶۴ نهج البلاغه با الگوگیری از روش فرکلاف (تحلیل گفتمان انتقادی)". مطالعات فهم حدیث، ۷(۱)، صص ۲۰۷-۲۲۹.
- مکاریک، ایرناریما. (۱۳۸۵). دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، مترجمان: مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگاه.
- پاشازانوس، احمد، و جعفری، روح‌الله. (۱۳۹۴). "تحلیل گفتمان انتقادی خطبه زیاد بن ابیه معروف به الخطبه البتراء با استفاده از الگوی فرکلاف". پژوهش‌نامه نقد ادب عربی، ۶(۱)، صص ۳۹-۶۵.
- یورگنس، ماریان، و فیلیپس، لوییز. (۱۳۹۴). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، مترجم: هادی جلیلی، تهران: نی.

Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

REFERENCES

- Nahjul-Balagha
 Al-Amali, H., (1424). *Minhaj al-Baraa'ah in the Explanation of Nahjul-Balagha*. Beirut: Dar Ihya' al-Turaht al-Arabi. [In Arabic]
 Al-Zarkali, K., (2002). *Al-Alam*, 15th edition. Beirut: Dar al-Alam llamlayin. [In Arabic]
 Dad, S., (2013). *Dictionary of Literary Terms*, 6th edition. Tehran: Morvarid. [In Persian]
 Dashti, M., (2000). *Translation of Nahj al-Balagha*. Qom: Mashhoor.
 Fairclough, N., (1990). *Critical Discourse Analysis*, translated by Fatemeh Shayestpiran, Tehran: Media Studies Center. [In Persian]
 Fallah, E. & Shafi' Pour, S. (2018). "Critical Discourse Analysis of Sura "Shams" Based on the Model of Fairclough". *Journal of Qur'anic Interpretation and language*, 7(1), pp. 29-42. DOI: [10.30473/quran.2018.5210](https://doi.org/10.30473/quran.2018.5210) [In Persian]
 Fattahi, S., (2008), "Discourse of Power in the Thought of Michel Foucault", *Quarterly Encyclopedia*, 4, pp. 65-73. [In Persian]
 foadian, M. H., dorostkar, H. and Taghizadeh, M. (2021). "Literary Discourse Analysis of Fatimah Al-Zahra's Sermon in Front of Muhajirun and Ansar Women". *Literary Studies of Islamic texts*, 7(22), pp. 43-67. DOI: [10.22081/jrla.2022.62022.1343](https://doi.org/10.22081/jrla.2022.62022.1343) [In Persian]
 Ghahremani, A., & Fazel Bidar. (2019). "Critical Discourse Analysis in Nahj al-Balagha Based on Norman Fairclough's Theory (Case Study of Imam Ali's (AS) Sermons During the Khawarij Sedition)". *Imamiyyah Research Journal*, 5(9), pp.175–198. [In Persian]
 Jurgens, M., & Phillips, Louise. (2015). *Theory and Method in Discourse Analysis*, Translator: Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]

Kalantari, A., (2012). *Discourse from three perspectives: linguistic, philosophical and sociological*. Tehran: Sociologists' Publishing. [In Persian]

Kamaljoo, M., & Atharinia, Maryam. (2019). "Analysis and Study of the Discourse of the Novel Sukhb al-Bahaira by Muhammad al-Basaty (in the Light of Norman Fairclough's Critical Approach)". *Journal of Fiction*, 8(4), pp. 75–91. DOI: [22126.10/rp.2020.4848.1197](https://doi.org/10.22126/10/rp.2020.4848.1197) [In Persian]

Khakpour, H., & Lotfi, Maryam. (2019). "Analysis of the critical discourse of Imam Hassan Mujtaba after the death of the Prophet Muhammad based on Fairclough's theory". *Literary Studies in Islamic Texts*, 4(4), pp. 137–158. [In Persian]

Makarik, I., (2006). *Encyclopedia of Contemporary Literary Theories*, translators: Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi. Tehran: Agah Publishing. [In Persian]

Mohseni, A. A. and parvin, N., (2017) "A study of critical discourse in Nahj al-Balagha based on Norman Fairclough's theory (a case study of Kufian description)". *Imam Ali 's Studies*, 6(12), pp. 133-155. [In Persian]

Mohseni, S., (2012). "A Study in the Theory and Method of Fairclough's Discourse Analysis". *Social and Cultural Knowledge*, 3(3), pp. 63–86. [In Persian]

Molla Ebrahimi, E., & Abiary Ghamsari, M. (2016). "Critical analysis of power discourse in Zeinab Habash's poems". *Journal of Woman in Culture and Arts*, 8(2), pp. 265-280. DOI: [10.22059/jwica.2016.60318](https://doi.org/10.22059/jwica.2016.60318) [In Persian]

Muosavi Bafroei, S. M. , Zarezardini, A. , Zarei Mahmmmodabadi, H. and Esna Ashari, F. (2020). "Analysis of Policy Basics of Imam Ali (AS) in the letter 64 Nahj al-Balaghah by Modeling the Fairclough Method "Critical Discourse Analysis", *Studies on Understanding Hadith*, 7(1), pp. 207-229. DOI: [10.30479/mfh.2020.2256](https://doi.org/10.30479/mfh.2020.2256) [In Persian]

Salami Ostad, M., Jamshidi, M. H. , Bahrami Khorshid, S. and Eslami, M. (2020). "The Function of Language as a Security Tool: Analysis of King Salman's Speech at the Riyadh Summit", *Iranian Research letter of International Politics*, 8(2), pp. 139-170. DOI: [10.22067/ijip.v8i2.85195](https://doi.org/10.22067/ijip.v8i2.85195) [In Persian]

Schleiger, Allen Gould. (1987), "Towards a Semiotics of Authoritarian Discourse", Dar al-Bayda: *Bayt al-Hikma Journal*, 5(2), , pp. 135-147. [In Arabic]

Shirzadi, M., Mohammad Hossein, S. and Rastegar Haghghi Shirazi, Z. (2025). "Critical Discourse Analysis of the Representation of the Day of Judgment in the Qur'an and Nahj al-Balagha and Its Role in the Production of Political Legitimacy". *Contemporary Political Studies*, (Articles ready for publication). [In Persian]

Soltani, S., (2008). *Power, Discourse and Language*. Tehran: Nay Publications. [In Persian]

Tajik, M., (2004). *Discourse, Counter-Discourse and Politics*. Tehran: Institute of Research and Humanities. [In Persian]

Zokaei, A., Sayadinejad, R. and Eghbali, A. (2020). "Discourse Analysis of the Tenth Letter of Nahj al-Balagha Based on Norman Fairclough's Pattern". *Arabic Literature*, 12(2), pp. 63-83. DOI: [10.22059/jalit.2019.257787.611906](https://doi.org/10.22059/jalit.2019.257787.611906) [In Persian]